



اصول و ارزش های اخلاقی در نهاد خانواده بر اساس آموزه های وحیانی و سیره اهل بیت (ع)

پدیدآورده (ها) : سعیدیان جزی، مریم

فلسفه و کلام :: پژوهش نامه حکمت اهل بیت علیه السلام :: بهار 1393، سال اول - شماره 2

از 61 تا 80

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1061307>

دانلود شده توسط : رسول جعفریان

تاریخ دانلود : 09/07/1397

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است. بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تالیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابراین، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [فوائین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

www.noormags.ir

اصول و ارزش‌های اخلاقی در نهاد خانواده بر اساس آموزه‌های وحیانی و سیره اهل بیت (ع)

مریم سعیدیان جزئی *

چکیده

مقوله اخلاق یکی از بدیهی‌ترین و مهم‌ترین و کاربردی‌ترین مقولات، در مباحث مرتبط با علوم انسانی به شمار می‌رود. دین اسلام به مقوله اخلاق نگاه بنیادی و سیستمی دارد و ارزش‌های اخلاقی پیوندی ناگسستنی با دین دارند. در نظام اخلاقی اسلام، آموزه‌های وحیانی غایتمند و مبتنی بر عمل‌گرایی و واقع‌نگری هستند؛ چون نقش سازنده‌ای در تزکیه و تربیت انسانی دارند. همچنین این آموزه‌ها مدعی یک نظام وارده معرفتی و اخلاقی هستند که در موضوع و روش و غایت بی‌بدیل و یکتاست.

مقوله اخلاق در اندیشه اسلامی، ازدواج و نهاد خانواده را تابع نیازها و استعدادها و غایات خلقت و امری ضروری و مبتنی بر اراده و خواست الهی می‌داند؛ همچنین جایگاه حیاتی آن را در فرایند تکوینی و تربیتی بشری به رسمیت می‌شناسد. در اسلام، ارزش‌های اخلاقی دارای مراتب و اولویت هستند. این مهم، به ویژه در حیطه ارزش‌های اخلاقی خانواده، از بزرگ‌ترین وجوه تمایز نظام اخلاقی اسلام به شمار می‌رود. اصول اخلاقی خانواده همسو با نظام معرفتی و گزاره‌های دینی و فقهی بوده و ضامن اجرا و تحقق اهداف شریعت است.

خانواده کانون عواطف و تربیت بوده و بهترین ابزار تحقق رسالت آن اخلاق است. از این منظر، اصول و گزاره‌های اخلاقی در طیف فرایندی دوسویه و پویا، سبب نهادینه کردن ارزش‌ها و رشد اخلاقی می‌شوند. در آموزه‌های اسلامی، توصیه‌های اخلاقی به بهتر شدن روابط و استحکام خانواده کمک می‌کند و مقوم و مصلح آن خواهد بود. حال این مقاله بر آن است تا با استفاده از معارف الهی که در آموزه‌های وحیانی و سیره اهل بیت (ع) آمده است، این موضوع را بررسی کند.

واژه‌های کلیدی

اخلاق، خانواده، حقوق، آموزه‌های وحیانی، سیره اهل بیت (ع).

* استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه اصفهان msaeedyan@ltr.ui.ac.ir

مقدمه

مبانی و روش و غایت آن‌ها، خارج از حوزه این تحقیق است.

«اخلاق» جمع خُلُق و خُلُق است. به معنای سرشت، خوی، طبیعت و امثال آن و به معنای صورت درونی و باطنی و ناپیدای آدمی که با بصیرت درک می‌شود (زبیدی، بی تا: ۶/۳۳۷؛ ابن منظور، ۱۴۱۶: ۴/۱۹۴).

ابن مسکویه در تعریف اخلاق می‌گوید: «الخلق حائل لنفس داعیه لها إلی أفعالها من غیر فکر و رویه» (ابن مسکویه، بی تا: ۵۱). برخی نیز معتقدند: «اخلاق مجموعه‌ای از اصول و ارزش‌هایی است که رفتار انسان را تنظیم می‌نماید و تعالیم وحی آن‌ها را تعیین فرموده و جهت تحقق هدف وجود انسان در کره خاکی، اصول و ضوابطی را برای آن‌ها قرار داده است» (عبدالحلیم محمود، ۱۹۹۰: ۸۵).

در اسلام، یکی از عرصه‌های پیوند و همسویی دین و اخلاق اصول و قواعد اخلاقی است که تعیین‌کننده هویت و اولویت‌های آن در جامعه بوده و متناسب با طبیعت انسانی شکل گرفته است (ایزوتسو، ۱۳۶۰: ۴۴ تا ۵۰). اخلاق یکی از اجزاء سه‌گانه آموزه‌های دینی و اسلامی است که در پیوستگی و هماهنگی با عقاید و احکام، زمینه فعلیت یافتن رشد اخلاقی و تحقق کامل دین را فراهم می‌کند؛ همچنین نظام‌وارهای جامع و پویا را به بشریت ارائه می‌دهد. در نظام اخلاقی اسلام، آموزه‌های وحیانی نقش سازنده‌ای در رهبری صحیح غرایز و احساسات و عواطف و تزکیه و تربیت انسانی دارند (سبحانی، ۱۳۷۶: ۵)؛ پس آموزه‌های وحیانی نگاهی غایتمند و مبتنی بر عملگرایی، به آموزه‌های دینی و خواست و اراده الهی دارند. در اندیشه اسلامی، نظام اخلاقی از یک‌سو در ارتباط با نهاد خانواده و نقش حیاتی آن در فرایند تکوین انسانیت و در ارتباط با نیازها و استعدادها و غایات است؛ از سوی دیگر، در

مقوله ازدواج و مسائل مربوط به نظام خانواده، از ابعاد مختلف بررسی شده است و بسیاری از منابع، درخصوص فلسفه ازدواج مباحث مفصلی را مطرح کرده‌اند. به نظر می‌رسد در این خصوص، همگان اتفاق نظر دارند که خانواده اصلی‌ترین پایگاه رشد اخلاقی است. در این میان، نظام اخلاقی دینی کامل‌ترین گزاره‌ها و ابزارها و روش‌ها را برای انتقال و انتشار ارزش‌های اخلاقی و باورهای دینی، تربیت صحیح اجتماعی و کسب مهارت‌های زندگی در اختیار خانواده قرار می‌دهد تا ضامن اجرای احکام و دستورالعمل‌های دینی باشد. در این نظام، اخلاق در کنار احکام و عقاید ضروری و الزام‌آور است. در قرآن و معارف اسلامی و سیره قولی و عملی اهل بیت (ع)، مفاهیم دینی اخلاقی از گستره فراوانی برخوردارند. این دسته از آثار به شکل‌های مختلف کوشیده‌اند برای بحران‌ها و مسائل مبتلا به خانواده‌ها تدبیری بیندیشند.

اما سؤالات این پژوهش: نسبت میان احکام دینی با مسائل اخلاقی در خانواده چگونه است؟ آیا گزاره‌های اخلاقی می‌توانند ناظر بر احکام ضروری باشند؟ در نهایت اینکه مسائل اخلاق در تحکیم نظام خانواده و اعتلای آن چه نقشی دارند؟

۱. اهمیت اصول اخلاقی در اسلام: مقوله اخلاقی یکی از بدیهی‌ترین و مهم‌ترین و کاربردی‌ترین مقولات، در سه حوزه شناختی و رفتاری و انسان‌شناسی است که در مکاتب مختلف، درباره آن بحث و پژوهش شده است. در خصوص معنا و ثبوت گزاره‌های اخلاقی و حدود و تحلیل آن‌ها، دیدگاه‌های مختلفی ارائه شده است. در این میان، بررسی گزاره‌های اخلاقی از منظر جهان‌بینی دینی موضوع بحث بسیاری از نویسندگان و اندیشمندان اسلامی بوده که بررسی

در نظام اخلاقی اسلام، مسائل اخلاقی دارای انسجام درونی است که گاه به علت ریشه‌های مشترک و گاه به علت ثمرات و نتایج حاصل شده است (مکارم، ۱۳۸۷: ۱/۱۱۷). دین به علت داشتن برنامه جامع و غایت متعالی، موفقیت قطعی به ارمغان می‌آورد. دین در این برنامه هم همت ما، یعنی موجود بشری را در نظر دارد و هم تعادل و هماهنگی برنامه را (قطب، ۱۳۵۶: ۱۱۷). کج‌فهمی در نسبت میان دین و زندگی، باعث فقدان حضور اخلاق در حیات بشری و صیانت و اجرای شریعت می‌شود.

ج. واقع‌بینی: در نظام اخلاقی اسلام، تفاوت‌های طبیعی و حقوقی در راستای نیازها، کمبودها، مقتضیات و استعداد‌های انسانی و نیز مرز میان نیروهای واقعی و حقیقی انسان به رسمیت شناخته شده است (قطب، ۱۳۵۶: ۳۵۳). اندیشه اسلامی با حقایق سروکار دارد که دارای وجودی حقیقی و اثری مثبت و واقعی هستند (قطب، ۱۳۵۶: ۳۲۸).

د. هدف‌داری و غایتمندی آگاهانه: نظام اخلاق اسلامی نظامی غایت‌گرا و هدفمند است (مصباح، ۱۳۸۰: ۱۳۹) و هدف نهایی عبارت است از «آنچه که بالفطره برای انسان مطلوب است» (مهدوی، ۱۳۸۸: ۲۸۹). در نظام اخلاقی مبتنی بر آموزه‌های وحیانی، کمال انسان در تقرب به خداوند است و اخلاق، انسان را در وصول به این امر یاری می‌کند. این یعنی لزوم مراجعه و بهره‌مندی از متون دینی و اعتماد کامل نکردن به اعتبار علمی و حقیقی منابع برگرفته از مکاتب غیرالهی (مصباح، ۱۳۷۳: ۱۷۰). تزکیه و تربیت از اهداف اخلاقی نهاد خانواده در اسلام به شمار می‌آید؛ اما، اعتبار و اصالت آن وابستگی و پیوستگی به رابطه میان انسان و خدا دارد. پس اصول اخلاقی خانواده تابع نظام

تقابل با نظام‌های رفتارگرایی سودآور و معامله‌گر حاکم بر اندیشه‌های مادی (محمد قطب در بیان نسبت میان گزاره‌های اخلاقی، در تکوین انسان و رسالت خانواده در غرب می‌نویسد: «به اعتقاد ما غرب فاقد اخلاقی حقیقی و اصیل است؛ زیرا اخلاقی که در معاملات و زندگی روزمره غربیان دیده می‌شود اخلاقی سودجویانه است که هدفش جلب منفعت در زندگی دنیوی است و بس... لذا خود را به این اخلاق سودآور عادت دادند و فرزندانشان را هم با این اخلاق به خوبی بار آوردند که تلاشی حقیقی، بررسی شده و منظم برای آن به عمل آورده شده و می‌شود و عملاً در متن زندگی مردم خوش‌سیما و نیکو می‌نماید (قطب، ۱۳۷۹: ۲۰۰ تا ۲۰۲))، دارای ویژگی‌هایی است که برخی از مشخصات آن را در ادامه بررسی می‌کنیم.

الف. گستردگی و جامعیت: شارع مقدس در اسلام، هم آن خالق انسان است که به تمام ابعاد وجودی او اشراف دارد. به همین علت در اسلام، گزاره‌های اخلاقی هماهنگ و سازگار با مفاهیم دینی و همسو با اراده خالق شارع و آموزه‌های وحیانی است. از این نظر، نه تنها فرض تنافی و تباین این دو محال است که باید گفت، مباحث اخلاقی در کنار حقوق دینی ضروری و الزام‌آور است. در حوزه خانواده مصادیق این مدعا، شامل اصول اخلاقی مربوط به اعضای مختلف خانواده اعم از زن و شوهر و فرزندان می‌شود.

ب. هماهنگی و دارای پیوستگی درونی: این خاصیت با جامعیت اسلام پیوسته است. بدین معنا که همگانی و شمول آن، با دو نوع درک ضروری بشر هماهنگ است درکی برای شناخت حقایق و تطبیق آن‌ها با زندگی و درک دیگر، برای تطبیق با حق و عمل کردن برای رسیدن به هدف (قطب، ۱۳۵۶: ۲۴۲ تا ۲۴۷).

اخلاقی اسلام و همسو با گزاره‌های دینی و فقهی قرار می‌گیرد.

هـ. جاودانگی: ازدیگر ویژگی‌های نظام اخلاقی اسلام، جاودانگی و ثبات است؛ پس جاودانگی این دین ایجاب می‌کند که رسالت آن نیز دائمی و زوال‌ناپذیر باشد. اخلاق اسلامی به علت آنکه معطوف به نیازهای اخلاقی است جنبه ثابت و پاینده‌ای در خود دارد و مطابق با مقتضیات، وجه انعطاف‌پذیری آن نیز به دست می‌آید. بنابراین، بی‌آنکه به ورطه نسبت مبتلا شود، می‌تواند در همه زمان‌ها و جوامع پاسخگوی انسان باشد (شریفی، ۱۳۸۴: ۱۹۰).

و. توجه به جایگاه و اهمیت انسان (خلاقیت و سازندگی و تحرک): از ویژگی‌های نظام اسلامی آن است که در همان حال که به رشد و تعالی توجه دارد به همان نسبت، از انسانیت مراقبت می‌کند؛ بی‌آنکه نیروی انسانی بیهوده هدر رود یا از مسیر خود منحرف شود (قطب، ۱۳۵۶: ۱۱۶ و ۱۱۷ و ۱۷۱). نظام اخلاقی اسلام به واسطه جهان‌بینی توحیدی‌اش، بر ماهیت وجودی خلقت و شئون متفاوت حیات بشری تأکید و توجه دارد. در این اندیشه انسان مخلوق، فاعل، باراده، مکلف و هدفدار است و سیرت و فطرت او براساس خیر و فضیلت و به تعبیر معصوم، مانند طلا و نقره ارزشمند است (اعراف، ۱۸۹). از این منظر، ارزش‌های اخلاقی مطلوب انسانی همان مقوله‌هایی هستند که در ذات خود دارای ارزش‌اند و برگرفته از اراده الهی و مطابق با گرایش‌های اختیاری و ارادی انسان و مافوق‌غریزه او هستند (مصباح، ۱۳۷۳: ۴۶). در مجموعه آیات و حیانی، سجایای انسان به دو دسته تقسیم می‌شوند که می‌توان آن‌ها را در دو گروه صفات اخلاقی مثبت و صفات اخلاقی منفی قرار داد. معیار دوگانگی این مقوله نیز اصل بنیادی ایمان و کفر است

که براساس آن، می‌توان عمل هر شخص را در یکی از این دو دسته قرارداد (ایزوتسو، ۱۳۶۰: ۱۳۱ تا ۱۳۵).

خداوند متعال به عنوان فاعل و قادر مطلق، با ایجاد امکان فعلیت‌یافتن استعدادهای انسانی و جهت‌دهی آن‌ها، رشد و کمال انسان را تضمین می‌کند. خداوند علاوه بر تحت نظام درآوردن تطورات حیات بشری، با ایجاد جاذبه‌های حرکتی امکان خلاقیت و سازندگی را برای انسان فراهم می‌آورد (هود، ۶۱؛ رعد، ۱۱). براین اساس، نظام اخلاقی اسلام درصدد تحقق عینی حسن فعلی و حسن فاعلی، در شئون مختلف زندگی بشری است (مصباح، ۱۳۷۳: ۴۶).

ز. الگوسازی و تطبیق: رسالت اخلاقی اسلام ایجاب می‌کند برای تأمین نیاز انسان‌ها در اصل محاکات (همرنگ‌شدن بادیگران) (مکارم، ۱۳۸۷: ۱/ ۳۶۵) و تحقق هدف غایی خلقت، برنامه‌های مناسب و روشمند ارائه دهد. یکی از راهکارهای آن، تجسم عینی و عملی اخلاق و عبودیت در الگوهای انسانی است که در صدر آن‌ها وجود انبیاء و اوصیاء و اهل‌بیت (ع) قرار دارند. تأکید آموزه‌های و حیانی بر ضرورت رشد اخلاقی الهی و اهمیت اصول اخلاقی اسلام، به ویژه در راستای سیره اهل‌بیت (ع) و گستردگی معارف دینی، ما را در دریافت و هماهنگی با نظام اخلاق اسلامی رهنمون می‌سازد.

ح. و حیانی بودن: در نظام اخلاقی اسلام، اخلاق متکی به شریعت است و عقاید دینی بزرگ‌ترین پشتوانه اخلاق و اصلی‌ترین ضامن اجرای اصول اخلاقی به شمار می‌رود (سبحانی، ۱۳۷۶: ۴ و ۵). از سویی، تعالیم کلی اسلام و احکام اخلاقی آن، با گرایش‌های فطری انسان هماهنگ و سازگار است که عقل نیز آن را تأیید می‌کند. با این تفاوت که مفاهیم اخلاقی در نگاه دین، یا اثباتی‌اند یا در تفکر عقلی در مقام ثبوت قرار می‌گیرند (مصباح، ۱۳۷۳: ۱۷۰). مکتب اخلاقی اسلام

بنیان‌های اجتماع و تربیت انسان امری حیاتی و بدیهی است. به همین علت، نهاد خانواده در دین همه‌جانبه‌نگر اسلام نه تنها با این ویژگی‌های مشترک حیات بشری سازگاری دارد که ارزش و جایگاه آن با اراده و مشیت الهی هماهنگ است. خداوند در آیه شریفه می‌فرماید: «اوست خدایی که همه شما را از یک تن بیافرید و از او نیز جفتش را مقرر داشت تا به او انس و آرام گیرد» و در جای دیگری از ازدواج به عنوان آیه و نشانه الهی یاد می‌کند و می‌فرماید: «و از آیات او این است که از خودتان همسرانی برای شما آفرید تا در کنار آن‌ها آرامش یابید و در میان شما مودت و رحمت قرار داد. در این نشانه‌هایی است برای مردمی که تفکر می‌کنند» (روم، ۲۱). در اسلام فراهم آوردن مقدمات لازم برای ازدواج نه فقط یک امر توصیه‌ای ارشادی است که به عنوان امری الزامی و در زمره وظایف دینی و عمومی مؤمنان به شمار می‌رود (نور، ۳۲).

نخستین موضوع در باب تشکیل نهاد خانواده، انتخاب همسر برای زندگی مشترک است. در نظام اسلامی، معیارهای متعددی برای انتخاب همسر وجود دارد که ایمان و پایبندی به ارزش‌های اخلاقی مهم‌ترین و بنیادی‌ترین آن‌هاست. زن و شوهر که خداوند آن‌ها را عامل آرامش یکدیگر قرار داده است (طباطبایی، ۱۳۸۳: ۸/۱۴۴) نقش و جایگاه مهمی، در نهاد خانواده دارند و متناسب با آن، از جایگاه حقوقی ویژه‌ای برخوردارند که در متون دینی تصریح شده است (دایره‌المعارف قران کریم، ۱۳۸۵: ۲/۵۴۶). زن و مرد براساس اصل کفویت (بقره، ۲۲۱) پیوند خود را آغاز کرده و اسباب رشد اخلاقی و کمالات انسانی یکدیگر را فراهم می‌آورند.

به علت برخورداری از تمام ابعاد حقیقی و حقوقی، مکتبی اصیل و درخور اطمینان است. مشروط بر اینکه به دور از هر نوع پیرایه، تبیین و عرضه شود (سبحانی، ۱۳۷۶: ۶). این مهم، به ویژه در حوزه گزاره‌های فقهی اخلاقی نهاد خانواده اهمیت بسیاری پیدا می‌کند.

ط. ذو مراتب بودن ارزش‌های اخلاقی: ارزش‌های اخلاقی در اسلام، در سه حیطة دامنه و شمول و گستردگی ارزش‌ها، مراحل و مراتب و فواید و ارزش‌گذاری آن تا بی‌نهایت قرار می‌گیرند و در مقایسه با سایر مکاتب اخلاقی، از وجوه تمایز و تفاوت اساسی برخوردار است. این مهم، به ویژه در حوزه نظام اخلاقی خانواده، از بزرگ‌ترین وجوه تمایز میان نظام اخلاقی اسلام با مکاتب مادی‌گرا و لذت‌جو به شمار می‌رود (شریفی، ۱۳۸۴: ۷۵). معیار طبقه‌بندی قوانین و فضایل اخلاقی و تبدیل آن به حیطة‌های ابرازی و رفتار اخلاقی، جز در پرتو فهم دقیق و جامع آموزه‌های وحیانی و کاربست آن با اقتداء به سیره رسول الله (ص) و اهل‌بیت (ع) نه تنها ممکن نیست که تصورنشده‌ای است.

ی. همگانی بودن مسیر رشد اخلاقی: نظام اخلاق اسلامی به علت برخورداری از جامعیت و نگاه توحیدی، رشد اخلاقی و پرورش جنبه‌های انسانی را برای همگان ممکن و میسر می‌داند. در نتیجه، بر عقل و قلب بشر آرامش می‌بخشد و او را با حقیقت هستی مربوط می‌سازد و بدین وسیله، جهان و حیات را به دست و نظر خدا و سلطه او می‌سپارد.

۲. اهمیت ازدواج و نهاد خانواده در اسلام: انسان موجودی است با ابعاد و نیازمندی‌های مختلف که بخش مهمی از رشد و فعلیت‌یافتن کمالات انسانی او، در گرو ارتباطات میان فردی و اجتماعی با دیگران است. جایگاه منحصر به فرد نهاد خانواده، در قوام

۳. ضرورت وجود و کاربست ارزش‌های اخلاقی در

خانواده: بی‌شک دنیای امروز با چالش‌های متعددی، در عرصه اخلاقی و تربیتی مواجه است. ریشه این امر، در گرایش به انسان‌گرایی جاهلی و موهومی و نادیده‌گرفتن یا نگاه انتفاعی کردن به مفاهیم و ارزش‌های اخلاقی و نسبت آن با جهان‌بینی مادی است (سبحانی، ۱۳۷۶: ۵). در این انگاره، نه تنها بسیاری از گزاره‌های اخلاقی دینی پوچ و بی‌معنا جلوه داده شده است که فراتر از آن، انسان‌گریزه‌محور به مقابله با ارزش‌های مهم اجتماعی و فرهنگی، مثل نهاد خانواده، پرداخته است و با رویکرد لذت‌جویانه و سودانگارانه با آن مواجه می‌شود. در این صورت، با تزلزل نظام اخلاقی و حذف یا بی‌اعتبارشدن جایگاه نهاد خانواده، چگونه می‌توان در انتظار دست‌یافتن به زندگی رضایت‌بخش و سعادت‌مند به سر برد؟

خانواده کانون عواطف و تربیت است و اخلاق بهترین ابزار تحقق رسالت آن است؛ از این رو، مفاهیم و گزاره‌های اخلاقی از محسوس‌ترین و بنیادی‌ترین و پرکاربردترین مباحث، برای تحقق احکام و قواعد شریعت و حل مسائل این نهاد مقدس است. فرایندی دوسویه و پویا، در میان اعضای خانواده که سبب نهادینه‌شدن ارزش‌ها و رشد اخلاقی می‌شود.

در پرتو تبعیت از آموزه‌های وحیانی و سیره اهل‌بیت(ع)، که تحقق و تجسم عینی و حقیقی اراده خداوند از دین و حیات است، امر مقدس ازدواج و نهاد خانواده امکان تولید و تربیت انسان‌هایی را می‌یابد که همسو با قابلیت‌ها و استعدادهای حقیقی خود، قدم برمی‌دارند و مکارم اخلاقی را به فعلیت می‌رسانند. در نتیجه، کمال بشری و تحقق کامل دین و تضمین سعادت بشری عینیت خواهد یافت. با استناد به مفاهیم قرآنی، می‌توان دریافت اصالت و اعتبار دو عنصر

تکوین و تربیت که در کانون خانواده فعلیت می‌یابد با تأسی از اولویت تربیت و تهذیب در رسالت انبیاء و به ویژه، دین اسلام انجام می‌گیرد. در آیه شریفه است: «هوَالَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمَمِينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ...» (جمعه، ۲؛ آل‌عمران، ۱۶۴).

توصیه‌های اخلاقی در آموزه‌های اسلامی، به بهترشدن روابط و استحکام خانواده کمک می‌کند و مقوم و مُصلِح آن خواهد بود. از وجود رسول‌الله(ص) منقول است که فرمود: «مؤمن به دلخواه خانواده‌اش و منافق به دلخواه خود می‌خورد و محبوب‌ترین بندگان نزد خداوند کسی است که برای خانواده‌اش سودمندتر باشد» (متقی هندی، بی‌تا: ۳/ ۵۳، درباب رفق و رزق).

۴. اصول اخلاقی اسلام در حوزه خانواده و ثمرات

آن: در اسلام تحقق حقوق و تکالیف بر عهده هر یک از اعضای خانواده، مهم و الزام‌آور است؛ اما باید توجه کرد ضمانت اجرایی و تحقق قواعد و مقررات دینی و حصول ثمرات ناشی از آن، مشروط به شناخت صحیح نظام اخلاقی دینی و مهارت در به‌کارگیری آن‌ها، در فرصت‌ها و موقعیت‌های مقتضی است. درخصوص ارتباط و حیطة اثرگذاری اخلاق در خانواده، دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد که در مجموع می‌توان گفت ارزش‌های اخلاقی در حوزه خانواده شامل ارزش‌ها و احکام اخلاقی می‌شود و در دو حیطة مشخص نیات و افعال دریافت‌کردنی است (مصباح، ۱۳۸۰: ۱۰۵). در ادامه، برخی از اصول مهم اخلاقی را در حوزه خانواده بررسی می‌کنیم که در معارف دینی آمده است:

اصل تکریم: در معارف اسلامی، یکی از گزاره‌های مهم اخلاقی اصل تکریم است که برخی آن را با نام «اخلاق مکرمتی» می‌شناسند (مطهری، ۱۳۷۰: ۲۵۲ تا ۲۵۹). از امام علی(ع) منقول است که فرمود: «نیک‌ترین

واقع، قدردانی از افراد در هر جایگاهی که باشند در تکریم احسان و تقویت شخصیت و امیدبخشی انسان نقش دارد و در اصل، شکرگزاری به درگاه خداوند است (حرّعاملی، ۱۴۰۳: ۱۱ / ۵۴۲) و سبب نزول برکات الهی می‌شود (امین، ۱۴۰۳، بخش دوم: ۱۹). خداوند می‌فرماید: «وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِن شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَ لَئِن كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ» (ابراهیم، ۷) و در جای دیگری می‌فرماید: «قَالَ هَذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي لِيَبْلُوَنِي أَشْكُرَامُ أَكْفُرُ وَمَنْ شَكَرَ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ رَبِّي غَنِيٌّ كَرِيمٌ» (نمل، ۴۰). همان‌طور که در مراتب ارزش‌گذاری اصول اخلاقی شکرگزاری یکی از نشانه‌های رشد اخلاقی است یکی از مصادیق عینی ایمان نیز به شمار می‌رود. چراکه مؤمن هوشیارانه آیات الهی را جستجو می‌کند و با بهره‌برداری درست از آنها و اعتراف به قدرت و غلبه خداوند، عملاً به شکرگذاری و خشوع به درگاه حضرت احدیت می‌پردازد.

اصل مودت و رحمت: مهرورزی و صمیمیت از نشانه‌های سلامت روحی و عقلی انسان مؤمن است. چنان‌که گزاره‌های روایی نیمی از خردمندی را در اظهار دوستی دانسته است. بدیهی است این امر، در نهاد خانواده که کانون عواطف و احساسات است، نمود عینی برخورداری از سلامت معنوی و نشانه پایبندی به ارزش‌های اخلاقی است و باعث انسجام و استحکام خانواده می‌شود. در نظام اخلاقی اسلام، به صراحت بر این مسئله تاکید شده (وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ) (روم، ۲۱). و به عنوان یکی از اصولی‌ترین مفاهیم و گزاره‌های اخلاقی دینی، در اندیشه اسلامی مطرح است. تأکید بر اظهار علاقه و محبت دوسویه هریک از اعضای خانواده به یکدیگر،

اخلاق آن چیزی است که تو را با مکارم اخلاق همراه گرداند».

ازدواج فرصتی است که در آن نیازهای عاطفی و طبیعی انسان تأمین می‌شود و به واسطه نعمت فرزند که خداوند به زوجین عطا می‌کند، برکات وسیعی حاصل شود که زن و شوهر، باید این عرصه را مغتنم شمارند و از آن برای کمال انسانی، تقرب به درگاه خداوند، دوری از رذایل و تسریع در دستیابی به عبودیت بهره جویند. امام سجّاد (علیه‌السلام) می‌فرماید: «وَأَمَّا حَقُّ هَمْسَرَتِ أَنْ اسْتِ كَه بَدَانِي خَدَاوَنَد بَا أَفْرِيْنَشِ اَو وَسِيْلَةُ اَرَامَشِ، رِفَاةِ، اَنَسِ وَ نَگَهْدَارِي تُو رَا فَرَاهِمِ نَمُوْدَه اَسْت. هَر كَدَامِ اَز زَن وَ شُوْهَرِ بَر نَعْمَتِ وَجُوْدِ دِيْگَرِي، خَدَا رَا سِپَاَسْگَزَارِ بَاشِيْدِ وَ بَدَانِيْدِ كَه اِيْنِ نَعْمَتِ اَلْهِي بَر اَو وَ بَر تُوْسْت؛ لَذَا نَعْمَتِ اَلْهِي رَا گَرَامِي دَاشْتَه وَ دَر مَعَاشَرَتِ بَا اَو، خُوْش رِفْتَارِي وَ رَفَقِ پِيْشَه كَنِي اِگَر چَه حَق تُو بَر زَن سَخْت تَر وَ رَعَايَتِ مَحْبُوْبِ وَ مَكْرُوْه تُو بَر اَو لَازِم تَر اَسْت؛ وَلِي زَن حَق مَهْرَبَانِي وَ اَنَسِ بَر تُو دَارِد وَ جَايْگَاة اَرَامَشِ وَ اَسَايَشِ، غَرِيْزَه اَي اَسْت كَه گَرِيْزِي اَز اَنجَام اَن نِيْسْت وَ اِيْن حَق بَزْرُگِي اَسْت» (حیدری نراقی، ۱۳۸۵: ۲۶۹ و ۲۷۰؛ بقره، ۲۲۸).

از رسول‌الله (ص) منقول است که در ارتباط با حق زنان بر مردان فرمود: «جبرئیل پیوسته مرا به زنان سفارش می‌نمود تا آنکه گمان کردم که بر شوهرش جایز نیست به وی اُف بگوید» و درباره تکریم زنان فرمود: «زنان را جز [شخص] کریم تکریم نمی‌کند و جز [شخص] پست اهانت روا نمی‌دارد» (امین، ۱۴۰۳: ۵ / ۲۰۶).

یکی از نشانه‌های بارز رفتاری و عاطفی پیاده‌کردن اصل تکریم در خانواده آن است که هر یک از زن و مرد، تلاش‌های یکدیگر را پاس دارند و قدردان هم باشند. البته، پرواضح است که بخش وسیعی از آنچه زوجین انجام می‌دهند جزو حقوق و تکالیف آنهاست؛ اما به

رسول‌الله (ص) به مردان سفارش می‌کرد: «کسی که همسری گرفته است، باید او را گرامی بدارد. اگر مرد به زنش بگوید «تو را دوست دارم» هرگز از دل زن بیرون نمی‌رود».

با توجه به آنکه هریک از زوجین، بیشترین تعامل را در حوزه خانواده دارند ممکن است روابط آنان به مرور، عادی شود و به سردی گرایش پیدا کند. یکی از راهکارهای نظام اخلاق اسلامی، برای جلوگیری از این سردی و تقویت رابطه زوجین، مهارت «سلام کردن» است. سلام از مکارم اخلاق دینی بوده و موجب انس و الفت و عامل رفع کدورت است (ابراهیم، ۲۳؛ نساء، ۸۶). بدیهی است ضرورت به کارگیری این مهم، به ویژه در خانواده، بسیار جدی است و باعث ارضاء نیازهای روانی و تکریم افراد و ایجاد علقه‌های عاطفی بیشتر خواهد شد. به علاوه، سلام کردن به مفهوم اعلام حضور فرد در خانه است. شاید به همین علت است که در روایات آمده است مرد نباید سرزده وارد خانه شود اگرچه خانه خودش باشد. شاید همسر یا فرزندش در حالتی باشند که سبب خجالت آن‌ها شود (مصطفوی، ۱۳۷۶: ۳۲).

لازمه به کارگیری این مهارت‌های ارتباطی، داشتن عطف و غیرتصنعی بودن افعال و حالات اعضای خانواده است تا بشاشیت و نشاط، بازخوردهای مثبتی در خانواده ایجاد کند. رسول‌الله (ص) می‌فرماید: «وظیفه زن این است که تا در خانه هست به استقبال شوهرش برود و به او خوش آمد بگوید» (نوری، ۱۴۰۸: ۳/۵۵۱).

اصل حسن خلق، نیک رفتاری و حسن معاشرت:
تربیت صحیح اجتماعی باعث ایجاد تعاملات اجتماعی مناسب و مؤثر می‌شود و ثمره آن، رشد اخلاقی جامعه و احساس مسئولیت‌پذیری افراد به یکدیگر و مشارکت

برای آن است که باعث تعاون و پایداری در مواجهه با مسائل مختلف می‌شود. زمانی که محبت بر فضای خانواده سایه گستراند زمینه تزکیه و تربیت و تقویت فضایل و رشد اخلاقی را فراهم می‌کند.

در نظام اخلاقی اسلام، بین ایمان به خدا و دوستی زوجین با یکدیگر، رابطه‌ای تنگاتنگ وجود دارد (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۶: ۴/۶۵). امام صادق (ع) می‌فرماید: «من گمان نمی‌کنم که مردی ایمانش افزون شود و محبتش به همسرش افزون نشود» (کلینی، ۱۳۶۷: ۵/۳۲۰). کتاب النکاح باب حب النساء. در این دسته از روایات و اخبار که کم هم نیستند، اهل‌بیت (ع) توصیه‌های جدی و مؤثری، بر به کارگیری عنصر محبت و مودت در خانواده دارند. آنان به ارتباط بین اظهار علاقه و عطف، با تعدیل روابط انسانی و قوام خانواده و جلوگیری از آسیب‌هایی که به علت ارضاشدن نیازهای عاطفی انسان در خانواده به وجود می‌آید، تأکید می‌ورزند.

در نهاد خانواده، یکی از مهارت‌های ارتباطی و مهم برای به کارگیری اصول اخلاق اسلامی استفاده از روش‌های کلامی و غیرکلامی است. این مهم به ویژه در ارتباطات زناشویی، در ردیف الزامات اخلاقی قرار می‌گیرد؛ چراکه گزاره‌های اخلاقی خود، ناظر بر احکام و حقوق الهی هستند. نمونه اعلا و اکمل رعایت این اصل و ثمره آن را می‌توان در ارتباط امیرالمومنین (ع) و حضرت زهرا (س) مثال زد. (همایونی، ۱۴۱۷، عشق ذوی‌القربی، در توصیف عشق و ارادت فاطمه زهرا (س) و امام علی (ع)).

به‌کاربردن واژه‌هایی چون «عزیزم» و «سرورم» از سوی زن و شوهر، سبب تداوم علاقه و تقویت محبت خانواده می‌شود (امینی، ۱۳۸۵: ۱۶ تا ۳۳). از رسول‌الله (ص) منقول است که فرمود: «اگر مرد به زنش بگوید دوست دارم زن هرگز آن را فراموش نمی‌کند».

۴۱۸؛ دلشاد، ۱۳۸۶: ۴۸). حسن خلق از جمله مکارم اخلاقی و مختصات لازم، برای تدبیر امور منزل است و در روایات اسلامی، مهربانی و عطف را از جمله صفات زنان خوب دانسته‌اند (نوری طبرسی، ۱۴۰۸: ۲/ ۵۳۴).

یکی از راهکارهای نظام اخلاق اسلامی، در مقام تأکید و تقویت اصل حسن خلق و حسن معاشرت در حوزه خانواده، استفاده از روش تشویق و تنبیه مادی و معنوی است. در متون روایی آمده است که فردی از یاران رسول‌الله (ص) به حضور ایشان رسید و عرض کرد همسرم در بدو ورود به منزل به استقبال می‌آید و آنگاه که مرا اندوهگین می‌بیند برای سختی‌های دنیا امید می‌دهد و به غم آخرت به خوف می‌آورد. رسول‌الله (ص) فرمود: «...خداوند در روی زمین عاملان و کارگزارانی دارد که این زن یکی از عاملان اوست آن زن نصف پادشاه شهید را دارد» (حرّعاملی، ۱۴۰۳: ۱۴/ ۱۷). نیز از آن حضرت منقول است که: «هیچ زنی نیست که جرعه‌ای آب به شوهرش بنوشاند مگر آنکه این عمل او برایش بهتر از یک سال باشد که روزهایش را روزه بگیرد و شب‌هایش را به عبادت سپری کند» (شیروانی، ۱۳۸۷: ۹۹). امام‌رضا (ع) می‌فرماید: «در قیامت آن کس به من نزدیک‌تر است که در دنیا خوش اخلاق‌تر و نسبت به خانواده خود نیکوتر باشد» (عطاردی، ۱۴۰۶: ۱/ ۲۹۷).

براساس آنچه بیان شد معلوم می‌شود راهبرد حسن معاشرت، به عنوان یکی از گزاره‌های مهم و بنیادی اخلاق اسلامی در نهاد خانواده، دارای کاربرد وسیعی است. از ملموس‌ترین دستورات عمل‌های قرآنی، برای عینیت‌بخشیدن این اصل، تصریح بر پیاده‌کردن اصل «معروف» است. اصل معروف، بخش مهمی از نظام‌واره اخلاق دینی را در خصوص روابط میان فردی و

فعال اجتماعی خواهد بود. در نظام اخلاقی اسلام، معاشرت نیکو با دیگران و داشتن حسن خلق، از گزاره‌های مهم در تعاملات اجتماعی است. چنان‌که یکی از ممیزات و شاخصه‌های برجسته مؤمن، خوش اخلاقی است. امیرالمومنین (ع) می‌فرماید: «عنوان صحیفه المؤمن حُسنُ خُلُقِهِ» (ابن‌شعبه حرانی، ۱۳۶۳: ۲۰۰) و در سرلوحه این امر، توصیف پیامبر (ص) از زبان و حیاست: «إِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ».

امام صادق (ع) درباره حسن خلق می‌فرماید: «حُسن خلق آن است که برخوردت را نرم کنی، سختت را پاکیزه گردانی و برادرت را با خوش‌رویی دیدار نمایی» (شیخ‌صدوق، ۱۴۱۳ق). با استفاده از این روایت و منابع غنی اسلامی، می‌توان گفت خوش‌زبانی و دوری از خشونت رفتاری و گفتاری (رحیمی، ۱۳۸۹: ۱۷۵)، پرهیز از ناسزاگفتن و کتک‌زدن، قدردانی و سپاسگزاری، دلسوزی و دلجویی‌کردن و نیز تواضع و ادب از جمله نشانه‌های حسن خلق است.

رسول‌الله (ص) بد زبانی را یکی از نشانه‌های اخلاق بد می‌دانستند و پیروان خود را از این‌گونه کج‌رفتارها و خشونت‌ها پرهیز می‌دادند. عواطف و احساسات بخش غیرمحرمانه و سطحی‌تر حالات جان انسان را تشکیل می‌دهد چنانچه انسان دچار اختلال و نوسانات درونی شود در قالب گرفتگی، انزواطلبی، دلسردی و مانند این‌ها خودنمایی می‌کند (مکارم، ۱۳۸۷: ۲/ ۳۴۱).

اهمیت و جایگاه این اصل مهم اخلاقی و درعین حال فقهی را در خانواده می‌توان از مجموعه معارف اسلامی دریافت کرد. از معصوم منقول است که فرمود: «هرگاه فردی به خواستگاری دختر شما آمد که از امانت‌داری و اخلاق نیکو برخوردار بود به او همسر دهید و به عکس آن چنانچه کسی که به خواستگاری آمده اخلاق خوبی ندارد با او ازدواج نکنید» (مجلسی، ۱۴۰۸: ۲۰/

می‌شود. در نتیجه کارها، به نحو احسن انجام خواهد شد و رسالت اخلاقی خانواده تحقق خواهد یافت. چراکه اعضای خانواده می‌دانند مصالح خانواده چیست و اولویت‌ها کدام است (مصطفوی، ۱۳۷۶: ۲۱ و ۲۲). این مهم یکی از اصولی است که در قوام و تحکیم مبانی خانواده و تعالی اعضای آن نقش مهمی را ایفا می‌کند و سلسله مکارم اخلاقی چون صمیمیت، نیک‌رفتاری، تکریم و... بر این اصل بنا نهاده شده است. در اصل توافق و تفاهم، فرد در عین درک و پذیرش تفاوت‌ها آن‌ها را مدیریت و جهت‌دهی می‌کند و از اختلاف سلیقه‌ها و نظرها و قابلیت‌های فردی، برای تداوم آسایش و آرامش خانواده بهره‌برداری می‌کند. پیامبر اکرم (ص) سازگاری و توافق زوجین را با ارزش‌ترین نعمتی می‌داند که بعد از ایمان، خداوند به بنده‌اش عطا کرده است (نوری طبرسی، ۱۴۰۸، ج ۲: ۵۳۲).

یکی از موانع مهم در تحقق این اصل، انتظارات و طرح درخواست‌های نامعقول و غیرمنطقی توسط هریک از زوجین و فرزندان است. انتظارات نامعقول سهم درخور توجهی از دلخوری‌ها و ناراحتی‌ها را به خود اختصاص داده است و در بروز رفتارهای خشونت‌آمیز و نداشتن تعادل فکری و رفتاری نقش بسزایی دارد. پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «هر زنی که با شوهرش ناسازگاری کند و به آنچه از جانب خدا رسیده قناعت ننماید و بر شوهرش سختگیری کند و بیش از حد توانایی او خواهش کند، اعمالش قبول نمی‌شود و خدا بر او خشمناک خواهد بود» (مجلسی، ۱۴۰۸: ۳/۲۴۴). از این نمونه، استنباط می‌شود که یکی از نشانه‌های تفاهم و همکاری میان زوجین آن است که از هرکس، متناسب با توانایی‌هایی او توقع داشت. نیز از آنجاکه برخی از این توقعات به علت رقابت با دیگران یا

اجتماعی تبیین و تنظیم می‌کند. با صرف نظر از تعاریف متعددی که از واژه معروف ارائه شده است، می‌توان گفت معروف مجموعاً برای بیان مفهوم جامع خوب و در مقابل، منکر برای بیان مفهوم جامع بد به کار می‌رود. بدین ترتیب، معروف عملی است که از ایمان واقعی نشأت گرفته و مطابق و سازگار با آن است و منکر عملی است که با احکام الهی در تعارض باشد. بدیهی است خاستگاه و مبین حدود و حریم این اصل، شریعت و اراده خداوند است (ایزوتسو، ۱۳۶۰: ۲۶۸ تا ۲۷۰؛ بقره، ۲۳۲ و ۲۳۳ و ۲۴۱؛ طلاق، ۶؛ نور، ۳۲ و آیات دیگر). با کمی غور درباره این واژه در قرآن کریم، دریافت می‌شود که شارع مقدس در هیچ حوزه‌ای به اندازه خانواده، بر این اصل تأکید نکرده است (مهدوی، ۱۳۸۸: ۲۰۲). سیاق خاص معروف در خصوص خانواده، در سه حوزه «عمل به معروف از جانب شوهر» و «عمل به معروف از جانب زن» و «از جانب هردو و فرزندان» درخور بررسی است. به طور مثال، عمل به معروف از جانب مردان تأمین نیازهای مادی و معنوی و تربیتی و ایجاد آرامش برای همسر را شامل می‌شود (ایزوتسو، ۱۳۶۰: ۱۹۳ و ۱۹۴).

اصل توافق و تفاهم: در حوزه خانواده، یکی از مباحث اخلاقی مهم آن است که هرکدام از زوجین و اعضای خانواده از تفاوت‌ها، سلیقه‌ها، نیازها و مسائل یکدیگر باخبر باشند و بدون آنکه قصد تخریب و تحقیر و تفاخر بر یکدیگر را داشته باشند برای رفع نواقص و معایب هم تلاش کنند. با درک متقابل و واقع‌نگری و انصاف، می‌توان بر آستانه تحمل افزود و با برنامه‌ریزی و جهت‌دهی، از امکانات و قابلیت‌ها برای رشد اخلاقی و شکوفایی همه‌جانبه افراد خانواده استفاده کرد. همچنین، با تفاهم و درک متقابل امکان تقسیم کارها فراهم و زمینه تعاون و همکاری تقویت

این خصوص نیز، چون دیگر ابعاد زندگی، سلوک رسول‌الله(ص) را الگو و سرلوحه زندگی خود قرار می‌داد.

اصل بخشندگی و مقتصدبودن: پیش از ورود به ضرورت این اصل اخلاقی حقوقی در حوزه خانواده، لازم است یادآوری کنیم در مفاهیم اخلاق دینی، هر عملی که از میل به خودنمایی و نفاق سرچشمه گرفته باشد، نهی و مطرود است (بقره، ۲۶۴). از طرف دیگر، بذل و بخشش و ابراز فتوت هم اگر برای تظاهر باشد جز یک عمل شیطانی نیست؛ لذا آنچه مهم است نیت و انگیزه نهفته در آن است (ایزوتسو، ۱۳۶۰: ۹۵). در اسلام، مسئولیت زندگی و تأمین نفقه زن و فرزند و تهیه مسکن و نیز تأمین هزینه‌های عادی زندگی بر عهده مرد است و زن عهده‌دار حفظ اموال و آبروی شوهر و اداره امور منزل است (نساء، ۳۴). صرف‌نظر از مفاهیم فقهی و حقوقی مرتب بر این موضوع، در این مقال اصول اخلاقی اسلام درباره اصل مذکور را بررسی می‌کنیم.

نخست آنکه مرد، در راستای وظیفه تأمین نیازهای زندگی ملزم است تا تمام همت و توان خود را به کارگیرد و صرف امور منزل کند. چراکه تأمین مخارج خانه بر مرد واجب است و در صدر وظایف او قرار دارد (ابن‌شعبه، ۱۳۶۳: ۴۴۴ و ۴۴۵). در مفهوم جامع معارف اهل‌بیت(ع)، کار و کوشش برای تأمین رفاه خانواده و کسب روزی حلال، قسمی از جهاد محسوب می‌شود و فرد تلاشگر، به عنوان مجاهد راه خدا شناخته شده است (حرعاملی، ۱۴۰۳: ۱۲/۴۳).

با استناد به این گونه معارف، دریافت می‌شود که بخشنده‌بودن مرد در خانواده بدین معناست که در صورت تمکن مالی، بر خانواده خود سخت نگیرد و امور زندگی را توسعه بخشد. امام‌رضا(ع) می‌فرماید:

بلنداندیشی‌های هر یک از زوجین ایجاد می‌شود اهل‌بیت(ع) قناعت را توصیه کرده‌اند و سازگاری در خانواده را در جلب رضایت الهی و قبولی اعمال، مهم و مؤثر می‌دانند.

اصل همکاری و مشارکت فعال در امور: خداوند سرشت انسان را به‌گونه‌ای آفریده که هم کمال طلب است و سود و ضرر هر کاری را محاسبه می‌کند و هم موجودی اجتماعی است. این موضوع به ویژه، در نظام اخلاقی اسلام طرح شده و بسیاری از گزاره‌های اخلاقی عبادی و اجتماعی و حقوقی آن ناظر بر روابط میان فردی و اجتماعی مسلمانان است. در منابع اسلامی، نکات بسیاری درباره سیره خانوادگی اهل‌بیت(ع) و حضور فعال و همکاری آن‌ها در امور منزل موجود است. قول رسول‌الله(ص) است که فرمود «سید القوم خادمهم». در منزل آن حضرت همه کارهای شخصی‌اش را خود انجام می‌داد و آن را جزء وظایف زنان نمی‌دانست و می‌فرمود: «بهترین شما کسی است که برای اهلیت‌ش خوب‌تر باشد و من نسبت به خانواده‌ام از همه بهتر هستم» (حرعاملی، ۱۴۰۳: ۱۴/۱۲۲). همچنین، به حضرت علی(ع) توصیه می‌کردند: «ای علی! هر مردی که همسرش را در خانه کمک کند، به تعداد موهای اندامش، یک‌سال عبادت برایش به شمار می‌آورند؛ سالی که روزهایش روزه بوده و شب‌هایش را به پاخاسته باشد. ای علی! کسی که در خدمت خانواده‌اش در خانه باشد و خودخواهی نورزد، آفریدگار نامش را در دیوان شهیدان می‌نگارد و برای هر قدمش، یک حج و یک عمره پاداش می‌دهد. ای علی! خدمت به همسر، کفاره گناهان بزرگ است و خشم پروردگار را فرو می‌نشاند» (مجلسی، ۱۴۰۵: ۱۰۴/۱۳۲). همکاری در امور منزل و تقسیم کارها با حضرت زهرا(س) بیانگر آن است که آن حضرت در

و کمیت آن معین شده است تا فقط نیرو و انرژی زاید (مالمازاد) (ایزوتسو، ۱۳۶۰: ۹۶ و ۹۷).

اصل صراحت و صداقت: صداقت اصل بسیاری از فضایل اخلاقی است و انسان را آماده و ملزم می‌گرداند تا به کار خود متعهد و مسئول باشد؛ درحالی‌که دروغ فرد را در پرده ابهام فرو می‌برد و به او این امکان را می‌دهد تا برای رهایی و توجیه کارهای ناصوابی که انجام داده است به هر سخن و ریسمانی ملتجی شود. بدیهی است دروغ‌گویی به عنوان خصلتی منفی و بد، به مرور از عزت و شأن و آبروی فرد می‌کاهد و او را در نظر دیگران بی‌مقدار می‌کند (دلشاد، ۱۳۸۶: ۴۳۹ به بعد).

صدق و راستی به عنوان یکی از بنیادی‌ترین و پرکاربردترین گزاره‌های اخلاقی در اسلام، سهم بسزایی در وحدت‌بخشی و انسجام خانواده، صمیمیت و تقویت روابط خانوادگی، توافق زوجین برای تحقق حقوق و وظایف دینی و ایجاد اسباب رشد اخلاقی دارد. به همین نسبت، دروغ و دروغ‌گویی سبب سلب اعتماد افراد به یکدیگر، فراهم آوردن زمینه آسیب‌پذیری، ناامنی و تنش در خانواده و ارتکاب گناهان می‌شود.

اصل صبر و شکیبایی: در زندگی انسان، همواره مسائل و مشکلاتی پیش می‌آید که هر کس در مواجهه با آن، رفتار و احساسات و عواطف متفاوتی بروز می‌دهد. یکی از دستورات عمل‌های اخلاق دینی، در مواجهه با این موقعیت صبر و خویشتنداری است. «صبر آن جنبه خاص از ایمان است که هنگام قرارگرفتن در شرایط و اوضاع و احوال نامساعد بروز و ظهور می‌کند» (ایزوتسو، ۱۳۶۰: ۱۳۰). لذا معنای صبرداشتن، توانایی و قدرت روحی کافی در مواجهه بردبارانه با بلاها و مصیبت‌ها و نشان‌دادن استقامت، برای نیل به هدف و مقصد خویشتن است (ایزوتسو، ۱۳۶۰: ۱۲۷).

«اهل و عیال انسان اسیر نعمتند، شایسته است هرگاه خداوند به کسی نعمت وافر دهد، بر اسیران خانواده‌اش وسعت دهد و بر آسایش آنان بیفزاید» (کلینی، ۱۳۶۷: ۹۰/۳). در سیره اهل‌بیت(ع)، تأکید جدی بر تأمین مایحتاج زندگی و خشنودی آن‌ها شده (حرعاملی، ۱۴۰۳: ۲۶۱/۱۵). برعهده‌گرفتن مخارج زندگی و در تنگنا قرارن دادن خانواده را از نشانه‌های اهل ایمان دانسته‌اند و به همین نسبت، به زنان توصیه شده تا حافظ مال مردان خودباشند (نسا، ۳۴).

در نظام اخلاقی اسلام، هم تنگ‌چشمی و بخل و هم سخاوت جاهلی و زندگی مترف‌گونه و بی‌درد که با اسراف و گناه همراه باشد نهی شده است (نسا، ۳۴). خداوند می‌فرماید: «هرگز اسراف مکن همانا تَبذیرکنندگان برادران شیطان می‌باشند» (اسراء، ۲۶ و ۲۷). در جای دیگری می‌فرماید: «بخورید و بیاشامید و زیاده‌روی نکنید که خدا اسرافکاران را دوست نمی‌دارد» (اعراف، ۳۱).

نظام اخلاقی اسلام انسان را برای وصول، به یک زندگی متعادل و مناسب و معقول رهنمون می‌کند (اسراء، ۲۹ و ۳۰). از این رو، میانه‌روی در خرج کردن و بخیل نبودن، از نشانه‌های ایمان به شمار می‌رود. خداوند عزیز در قرآن می‌فرماید: «کسانی که چون خرج کنند، اسراف نکنند و بخل نورزند و میان این دو معتدل باشند» (فرقان، ۶۷). از امام کاظم(ع) روایت است که فرمود: «اسراف و تنگ‌گیری هر دو مکروه است میانه‌روی را نباید از دست داد». قرآن کریم برای دست‌یافتن به این تعادل و مقابله با افراط و تفریط‌های مالی، فریضه انفاق و صدقات را به عنوان قالبی مناسب عرضه داشته است که مسلمانان می‌توانند سخاوت طبع خود را حفظ کنند بی‌آنکه دچار رذیلت‌های شیطانی مانند غرور و تکبر و اسراف شوند. در عین حال، مقدار

انسانی و پیشبرد اهداف بشری را ندارد. پس اسلام انسان را به خودیابی و کمال‌طلبی مطلوب فرامی‌خواند و او را دعوت به عاقلانه زیستن و آگاهانه عمل کردن می‌کند (عنکبوت، ۴۳). درک تفاوت‌های طبیعی و حقوقی هریک از زن و مرد و جایگاه اعضای خانواده، نحوه مواجهه صحیح و آگاهانه و منطقی با مشکلاتی که خانواده با آن روبه‌رو می‌شود، مهارت حل مسئله و به‌کارگیری روش تفکر خلاق در تحقق اهداف نظام خانواده، پاسخ به نیازها و نیز تقویت صمیمیت و مسئولیت‌پذیری اعضای خانواده از مصادیق به‌کارگیری اصل هوشیاری و تدبیر در کانون خانواده است. به عنوان مثال، اگر زن در بدو ورود مرد به خانه، یا مواقعی که او تعادل روانی خود را از دست داده است، رعایت حال شوهرش را بکند و بداند که ممکن است او دچار پریشانی و حالات عصبی شده باشد مرد خود را باز می‌یابد. کانون پرعطوفت خانه، طراوت او را دوچندان می‌کند و از رفتار خویش پوزش می‌خواهد (امینی، ۱۳۸۵: ۱۴۴ و ۱۴۵).

از دیگر راهکارهای اسلام، کسب مهارت عذرخواهی و پذیرش خطاهای خود است؛ از این رو، نظام اخلاقی اسلام هریک از زن و مرد را به بخشش و گذشت دعوت می‌کند. رسول‌الله (ص) می‌فرماید: «عفو و بخشش، عزت و بزرگی صاحبش را زیاده‌تر می‌کند، عفو داشته باشید تا خدا شما را عزیز گرداند».

پی‌بردن به اشتباهات و درصدد اصلاح آن برآمدن، به ویژه زمانی که حقی از دیگران ضایع شده، یکی از ویژگی‌های انسان مؤمن و عاقل است. به نظر می‌رسد یکی از عللی که باعث می‌شود افرادی فاقد این روحیه باشند و نکوهش شوند و از فیض شفاعت محروم بمانند (پیامبر اکرم (ص) فرمود: «یا علی! کسی که پوزش عذرخواهی‌کننده را چه راست چه دروغ، نپذیرد؛ شفاعتم به او نخواهد رسید» (حرّ عاملی،

این اصل اخلاقی نیز، چون سایر اصول، به پشتوانه اخلاق مذهبی نیاز دارد و در چارچوب نظام دینی تبیین و تعریف می‌شود. صبر فقط توان تحمل یا رهبری غرایز و احساسات نیست؛ بلکه گامی برای رشد اخلاقی و سازندگی و قدم گذاشتن در مسیری آگاهانه و متعالی است. این شکیبایی و صبر، به ویژه در زندگی خانوادگی، بسیار ضرورت دارد. انسان‌های صبور در برخورد با ناملایمات احساس ناتوانی و ناامیدی نمی‌کنند و همواره، آرامش و امید و تلاش را بر جو خانواده جاری می‌کنند و پشتیبان یکدیگرند. خداوند می‌فرماید: «جز این نیست که خداوند پاداش صبرکنندگان را بدون حساب می‌دهد» (زمر، ۱۰) و می‌فرماید: «من امروز پاداش صبرکنندگان را می‌دهم و آنان رستگارانند» (مؤمن، ۱۱۱). از این رو، شکیبایی یکی از عناصر مهم در اصول اخلاقی اسلام و یکی از گزاره‌های ضروری، در امر ازدواج و تشکیل خانواده است. از امام رضا (ع) روایت است که می‌فرماید: «یک دسته از زنان آن‌هایی هستند که در سختی‌ها و پشامدهای روزگار در امور مربوط به دنیا و آخرت پشتیبان شوهران خود هستند، به زیان او کار نمی‌کنند و گرفتاری‌هایشان را زیاده نمی‌گیرند» (نوری، ۱۴۰۸: ۲/ ۵۳۴).

اصل تدبیر و هوشیاری: یکی از اصول مهم اخلاقی که در دین اسلام، به آن تأکید و توجه شده است داشتن آگاهی و هوشیاری، برای درک موانع و امکانات و اهداف و بهره‌گیری صحیح از امکانات و روشمندی برای دستیابی به اهداف است. در نظام اخلاقی اسلام، هوشیاری و تدبیر تابع گزاره‌های دینی و آموزه‌های وحیانی است و منظور از تدبیر و هوشیاری، نفی اصالت و اعتبار دین و آموزه‌های شریعت نیست؛ چراکه اخلاق بدون پشتوانه دین و مکتب الهی توان حل مسائل

۱۴۰۳: ۱۴/۱۵)) همین نکته باشد. اثر این تنبیه و توصیه اخلاقی برای هوشیاران آن است که فرد درصدد اصلاح خود و جبران گذشته برخواهد آمد. چه بسا اگر خانواده‌ها به این اصل توجه و به آن عمل کنند بسیاری از سوءتفاهمات و مشکلات برطرف و زمینه برای رشد اخلاقی و تفاهم و تعاون بیشتر خواهد شد.

اصل وفاداری و امانتداری: نظام اخلاقی اسلام، در تلازم با اصول عقاید و احکام شریعت و در تقابل جدی، با قواعد غیرمنطقی حاکم بر فرهنگ جاهلی است. این نظام با تبیین و تأیید گزاره‌های اخلاقی، از آن برای حفظ کیان نهاد خانواده و اجرای صحیح و کامل مقررات دینی بهره می‌گیرد. در نظام اخلاقی اسلام، مقوله وفا و امانتداری در راستای مشخص متمایز و به هم وابسته است. ۱. روابط اجتماعی متعارف میان مومنان؛ ۲. قلمرو خاص دینی در رابطه انسان با خدا (ایزوتسو، ۱۳۶۰: ۱۰۸).

اصل وفاداری و امانتداری یکی از اصول ضروری و بنیادی و پرکاربرد اخلاق، در حوزه خانواده است و در آموزه‌های وحیانی اهمیت ویژه‌ای دارد (مائده، ۵؛ نساء، ۲۴؛ احزاب، ۳۳؛ نور، ۳ و ۲۶). در عقد ازدواج، زن و شوهر عهد می‌کنند به یکدیگر خیانت نکنند و در هر موقعیتی یار و غمخوار و حافظ و نگهبان جان و مال و ناموس یکدیگر باشند؛ همچنین مشکلات زندگی را با هم حل و فصل کنند. این قاعده اخلاقی، مسائل زناشویی و عاطفی و دیگر موضوعاتی را شامل می‌شود که در خانواده مطرح است و اعضای خانواده با کسب مهارت‌های کافی، برای نهادینه کردن این اصل، توانایی لازم را برای تأمین نیازهای زندگی و تعالی اخلاقی و مطلوب الهی به دست خواهند آورد.

روشن است پایبندی به این اصل، جز با پشتوانه برخوردار از دو مقوله اخلاص و ایمان فرد ضمانت

اجرای نمی‌یابد؛ چراکه ایمان زمینه تجلی کشش‌های فطری را فراهم می‌کند. از این رو، چنانچه زوجین حریم خانواده را از اغیار پاک و اصل عدالت را پیاده کنند کانون خانواده امن و آرام خواهد بود و امکان خیانت و دخالت بیگانه و سوءاستفاده به وجود نخواهد آمد. امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: «عهد و پیمان را به پاس دارید به خصوص با وفاداران» (شریف‌الرّضی، ۱۳۸۸: حکمت ۱۵۵). طبق کلام امام رضا (ع)، برخی از نشانه‌های وفاداری زن به مرد عبارت‌اند از: «تربیت فرزند، دوستی و محبت، رازپوشی، عفت و ادب، پوشاندن اندام بر نامحرم و مخفی نکردن آنچه برای شوهر حلال است، آرایش و خودنمایی در برابر شوهر، تسلیم شدن در برابر خواسته‌های مشروع شوهر و پاسخ به آن‌ها، نگهداری اموال شوهر و حفظ آبروی او و در نهایت، سعی و جدیت در حفظ طراوت، زیبایی و جذابیت خود».

وفاداری و پایبندی به قواعد خانواده، نیازمند لوازم و مقدماتی است که یکی از آن‌ها، اعتماد زوجین به یکدیگر، یا به تناسب استفاده از گزاره‌های اخلاق دینی، «حسن ظن» است. حسن ظن از نشانه‌های ایمان بوده و در مقابل، «سوء ظن» از نشانه‌های تقوانداشتن و رسوخ و سوسسه‌های شیطانی در ذهن و اندیشه فرد است. خداوند متعال مؤمنان را از سوء ظن نهی می‌کند و می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَعْضُكُم بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ» (حجرات، ۱۲). از جمله گناهانی که فرد بدگمان مرتکب آن‌ها می‌شود غیبت، تهمت، خیانت، نیرنگ، تمسخر و بسیاری از رذایل اخلاقی دیگر است. پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «خداوند... گمان بد بردن به مسلمان را حرام کرده است» (قمی، ۱۴۲۲: ۱۱۰/۳). چه بسا، بسیاری از

الَّذِينَ لَمْ يَطْهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَلَا يَضْرِبْنَ
بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ
جَمِيعًا أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (نور، ۳۰ و ۳۱؛
طباطبائی، ۱۴۱۷: ۱۵ / ۱۱۱ تا ۱۱۶).

. اصل رازداری: این اصل یکی دیگر از اصول و
ارزش‌های مهم و پرکاربرد اخلاقی است که در اسلام
به آن توجه شده است. این مهم به ویژه در نهاد خانواده
جایگاه ویژه‌ای دارد؛ چراکه زن و شوهر باید حافظ و
نگهبان آن اموری باشند که در حریم خانواده قرار
می‌گیرد و در این خصوص، به نقش زنان بیشتر توجه
شده است (نساء، ۳۴). مهارت در بهره‌مندی از این
اصل و قراردادن آن، در زمره یکی از ملکات نفسانی و
مکارم اخلاقی البته نیازمند تمرین و تکرار است؛ اما با
توجه به اینکه نقل رازهای خانواده در محافل دیگر،
ممکن است سبب برداشت‌های مختلف، قضاوت‌ها،
تعصبات و ابراز احساسات نابجا شود و اثر نامطلوب و
جبران‌ناپذیری، بر نظام خانواده بر جا گذارد لازم است
اعضای خانواده بر اهمیت و نقش این اصل، در حفظ و
استقلال نهاد خانواده توجه بیشتری کنند.

. اصل عیب‌پوشی: از مفاهیم جدی این اصل اخلاقی
آن است که زن و مرد حافظ و نگهبان آبروی هم
هستند. خداوند متعال در عبارتی ظریف و لطیف
می‌فرماید: «زن‌ها لباس برای شما و شما لباس برای
زنان هستید» (بقره، ۱۸). از تعبیر «لباس» در این آیه
استنباط می‌شود که:

۱. هر یک از زن و مرد نیاز به همسری دارند که
پوششی برای آن‌ها باشد؛
۲. زن و شوهر مانند لباس، یکدیگر را از آسیب‌ها و
مخاطرات حفظ می‌کنند؛

خانواده‌ها به علت فرورفتن در این بلا دچار لغزش
شده و متلاشی شده است. از نشانه‌های شایع سلب
اعتماد و نبود وفاداری در حوزه خانواده می‌تواند این
نمونه باشد که فرد به خانواده خود بی‌غیرت است .

ازجمله راهکارهای نظام اخلاقی اسلام، برای حل این
معضل، آن است که زن و شوهر باید در مقابل خطاها و
پیشامدهای زندگی که دلیل کافی ندارد توقف کنند و
در مواجهه با آنچه به سهو صورت گرفته و فرد در
انجام آن، دچار نسیان و غفلت شده است، چشم‌پوشی
کنند. حضرت علی (علیه‌السلام) می‌فرماید: «مبادا بیجا
غیرت نشان بدهی و زن بی‌گناهی را ظالمانه مورد
ملامت و سرزنش قرار دهی که این خود زنان
پاکدل را به فساد می‌کشاند» (حرع‌املی، ۱۴۰۳: ۱۴ /
۱۷۵). علاوه بر گزاره‌های اخلاقی، مجموعه آموزه‌های
فقهی و حقوقی موجود در دین، ناظر بر ضرورت و
جایگاه این اصل در خانواده و الزام بر اجرا و
غفلت‌نکردن از آن است.

یکی دیگر از راهکارهای نظام اخلاقی اسلام، برای
تقویت اصل وفاداری و امانتداری، عفت در مواظبت از
چشم و نگهداشتن حریم و مرز اخلاقی در مواجهه با
نامحرم است (مومنون، ۵؛ احزاب، ۳۲). قرآن مجید
همان‌طور که به مردان دستور می‌دهد چشم و دل خود
را پاک نگاه دارند و هرگز، دامن خود را به گناه آلوده
نسازند، به زنان نیز همین توصیه را می‌کند و می‌فرماید:
«قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّونَ مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ
ذَلِكَ زَكَاةٌ لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ» * وَقُلْ
لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَ
لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ
عَلَى جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ
أَوْ آبَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِبْنَائِهِنَّ أَوْ إِبْنَاتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ
أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي أَخَوَاتِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ
أَيْمَانُهُنَّ أَوْ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولِي الْإِلَاحِ مِنَ الرِّجَالِ أَوْ الْطِفْلِ

دارند در حریم خصوصی و روابط زناشویی، برای رفع نیازهای غریزی و عاطفی یکدیگر تلاش کنند. راهبردها و راهکارهای ایجاد تداوم و پایداری این اصل، به عنوان یکی از پرمحتواترین مسائل زناشویی، در معارف اسلامی بیانگر اهمیت آن در قوام و تعالی نظام خانواده است.

از نشانه‌های حضور این اصل در خانواده و اهمیت دادن زوجین به این مقوله آن است که محیط خانه پاکیزه باشد، از بهترین لباس‌ها و آرایش‌ها استفاده شود و خانواده محل آرامش و آسایش افراد باشد تا افراد از مسیر حق منحرف نشده و مرتکب حرام‌های الهی نشوند. در سیره عملی رسول‌الله (ص) است که آن حضرت از یاران خود، کسانی را که در تلاش برای تامین آسایش خانواده کوتاهی می‌کردند، لعن و نفرین می‌کرد و می‌فرمود: «از رحمت خدا دور باد کسی که خانواده خود را ضایع کند و آن‌ها را به حال خود واگذارد». از آن حضرت روایت شده است که فرمود: «لباس‌های خود را تمیز کنید و موهای خود را کم کنید و مسواک بزنید و آراسته و پاکیزه باشید که بنی‌اسرائیل چنین نکردند تا زانشان زناکار شدند» (شیروانی، ۱۳۸۷: ۷۲).

امام صادق (ع) نیز می‌فرماید: «خدا زیبا بودن و زینت کردن را دوست دارد... و دوست دارد آثار نعمت‌هایش را در بنده‌اش ببیند. لباسش نظیف و پاکیزه باشد، بوی خوش استعمال کند. خانه‌اش را زینت نماید...» (مجلسی، ۱۴۰۵: ۷۹/۳۰۰). در متون دینی، به زنان نیز توصیه شده است «در مقابل همسران خود همواره زینت داشته باشند، سرمه بکشند و از پوشیدن لباس‌هایی با رنگ‌های تیره پرهیز کنند» (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۶: ۲۱۴ به بعد). امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «بهترین زنان شما زنی است که خوشبو و دستپختش خوب باشد» (مجلسی، ۱۴۰۵: ۱۴/۱۵).

۳. زن و شوهر نباید با یکدیگر دشمن باشند و مشاجره کنند. همان‌طور که انسان با لباس خود مشاجره نمی‌کند؛

۴. زن و شوهر باید عیوب یکدیگر را با حوصله و صبر برطرف کنند؛

۵. زن و شوهر هم باید یکدیگر را دوست داشته باشند و هم، نیک رفتار باشند؛

۶. زن و شوهر باید مایه آراستگی و وقار یکدیگر باشند؛

۷. اگر لباس انسان پاره و کهنه شد لباس دیگری تهیه می‌کند و آن را می‌پوشد. در اسلام این مسئله متناسب با فطرت و طبیعت انسان، در قالب ازدواج مجدد مطرح می‌شود (لطیفی، ۱۳۸۵: ۲۲۱ تا ۲۲۳)؛

۸. تعبیر لباس برای هر یک از زن و شوهر، به معنای پوشاندن عیوب یکدیگر است؛ چراکه پس از ازدواج میان زوجین یکپارچگی ایجاد می‌شود و این می‌طلبد آن‌ها به یکدیگر احترام گذارند و حرمت‌ها را حفظ کنند و بدانند که بیان نواقص همسر، در واقع اظهار عیوب خود است. از این نظر، اگر مسئله‌ای هست باید اصلاح شده و در حریم خصوصی و دور از چشم حسودان و سوداگران حل و فصل شود. لذا ضرورت دارد تا افراد آستانه تحمل و قدرت نقدپذیری خود را تقویت کنند و درصدد رفع عیوب خود برآیند. رسول‌الله (ص) می‌فرماید: «عیبی بالاتر از این نیست که انسان عیب‌های دیگران را ببیند؛ ولی از عیوب خویش غافل باشد» (مجلسی، ۱۴۰۵: ۷۳/۳۸۵).

. اصل آراستگی و تمکین: از دیگر ارزش‌های اخلاقی، ناظر بر گزاره‌های دینی، اصل آراستگی و تمکین است. در این اصل، تأکید بر آن است که زوجین از عرضه زینت‌ها و زیبایی‌های خود به یکدیگر دریغ نورزند و به همان حدی که در مقابل اغیار حیا و غیرت

می‌کند». ایشان خود خضاب می‌کرد و می‌فرمود: «این کار سود فراوانی دارد؛ زیرا زن دوست دارد در تو همان زینت را ببیند که تو دوست داری در او ببینی. زن به شوهر آراسته خود نگاه می‌کند و به دیگران چشم نیاز نمی‌دوزد».

اصل عدالت‌ورزی: یکی از گزاره‌های زیربنایی در نهاد خانواده، اصل عدالت‌ورزی است که در اندیشه اسلامی نیز، به عنوان یکی از ارکان بنیادی جهان‌بینی توحیدی مطرح شده و در حوزه‌های مختلف درخور بررسی است. در مسائل اخلاقی، عدل در مقابل ظلم و به معنای «موزون‌بودن در مقابله با بی‌تناسبی» است. براین اساس، موازنه حق و تکلیف برای زن و مرد بر پایه تفاوت‌های تکوینی و طبیعی، متناسب با امکانات و توانایی‌ها و استعدادهای آن‌هاست تا امکان اداره خانواده و اصلاح جامعه فراهم شود (مه‌دوی، ۱۳۸۸: ۲۶۶). این اصل به عنوان یکی از مفاهیم اساسی دینی، در خانواده و در روابط زوجین و فرزندان، دارای معانی فقهی و اخلاقی است (بقره، ۲۲۸؛ نساء، ۳۴). تبیین تعادل میان اعتقاد و احساس از یک طرف و فعالیت و حرکت از سوی دیگر، در کنار تعیین مفاهیم و مبانی عدل در قرآن (قطب، ۱۳۵۶: ۲۶۹) و در حوزه خانواده، امری مهم است؛ اما خارج از دامنه این تحقیق است.

نتیجه

۱. دین اسلام مجموعه‌ای از احکام و عقاید و مسائل اخلاقی بوده که نزول آن، در قالب تعالیم وحی از سوی آفریدگار جهان است. این ویژگی باعث می‌شود راهنمایی‌های اخلاقی آن مصون از خطا باشد و احکام اخلاقی آن راه تحقق کمال انسانی را تبیین و تضمین کند. در نتیجه، در نظام اخلاقی اسلام گزاره‌های اخلاقی تابع گزاره‌های دینی و ناظر و ضروری احکام

از آنجاکه زنان در این نوع مقولات، از حساسیت‌ها و ظرافت‌های ویژه‌ای برخوردارند انتظار می‌رود در این زمینه بیشتر از مردان تلاش کرده و در خانه نشاط ایجاد کنند و امکان استفاده از نعمت‌های الهی را که خداوند تنها در محیط خانه تجویز کرده است فراهم کنند. اهل بیت (ع) ضمن سفارش بر آراستگی زن و شوهر، آن‌ها را از هرگونه تبرج و خودنمایی در حریم‌های غیرخصوصی نهی فرموده‌اند (مجلسی، ج ۸: ۳۶۷). باتوجه به این اصل و اصول دیگر، در حوزه خانواده باید از هرگونه اسراف و تجمل و چشم و هم‌چشمی و انتظار بیجداشتن خودداری کرد.

در سیره اهل بیت بیان شده است فردی وارد منزل امام باقر (ع) شد و دید در منزل اثاثیه‌ای چیده شده و فرش و قالیچه است. حضرت در پاسخ به سؤال و تعجب فرد فرمود: «لوازم همسر است» (حرعاملی، ۱۴۰۳، ج ۳: ۵۸۶). این نکته متناسب با واقعیت‌های وجود نظام خانواده، بیانگر آن است که در چینش وسائل و رسیدگی به امور ظاهری منزل، زنان نقش عمده‌ای دارند. علاوه بر این، همراهی مردان و تحسین زنان و تشویق برای زیبابودن در نزد همسر، نقش مهمی در سلامت اخلاقی طرفین ایفا می‌کند. امام صادق (ع) می‌فرماید: «در دنیا چیزی بهتر از همسر شایسته وجود ندارد، زنی که شوهرش از دیدار او مسرور و شادمان گردد» (مجلسی، ۱۴۰۵: ۱۰۳ / ۲۱۷).

زن و مرد باید، پاسدار حریم عفت یکدیگر باشند و برای پاسخگویی مناسب به خواسته‌های مشروع همسر و اداکردن حق مشروع و نیازهای روانی و عاطفی و غریزی یکدیگر تلاش کنند (نوری، ۱۴۰۸، ج ۲: ۴۵، باب ۴۲؛ حرعاملی، ۱۴۰۳، ج ۱۴: ۱۰۰ مقدمات نکاح). امام رضا (ع) می‌فرماید: «زینت کردن مرد و خود را نظیف و آماده‌ساختن به پاکي و عفت زن کمک زیادی

دوسویه و پویا و خلاقانه است. بهره‌گیری از اخلاق از یک سو، سبب تأمین نیازهای عاطفی و تربیت صحیح اجتماعی می‌شود و از سوی دیگر، ارزش‌های اخلاقی و باورهای دینی به سهولت انتقال می‌یابد. نیز کمال انسانی و حیات اجتماعی بشر، در پرتو کمال نهاد خانواده شکل می‌گیرد و ترسیم الگوی جامع خانواده موفق و متعالی، در پرتو آموزه‌های وحیانی و سیره اهل‌البیت (ع) تجلی می‌یابد.

۵. در اسلام ارزش‌های اخلاقی حوزه خانواده شامل ارزش‌ها و احکام اخلاقی است. برخی از اصول اخلاق دینی که در نهاد خانواده بیشترین کاربرد را دارد عبارت‌اند از: اصل تکریم، اصل مودت و رحمت، اصل عدالت‌ورزی، اصل بخشندگی، اصل توافق و تفاهم و برخی دیگر از اصول مهم اخلاقی. اهمیت و نقش و جایگاه این گزاره‌ها در نهاد خانواده، بیانگر ضرورت وجود ارزش‌های اخلاقی در نهاد خانواده است.

منابع

- قرآن کریم، ترجمه الهی قمشه‌ای.
امینی، ابراهیم. (۱۳۸۵). همسر داری، چ ۲۳، قم: بوستان کتاب.
امین، سید محسن. (۱۴۰۳). اعیان‌الشیعه، بیروت: دارالتعارف.
ایزوتسو، توشیهیکو. (۱۳۶۰). ساختمان معنایی مفاهیم اخلاقی دینی در قرآن مجید، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران: قلم.
ابوعلی مسکویه. (بی تا). تهذیب الاخلاق و تطهیر الاعراق، قم: بیدار.
ابن‌ابی‌الدینیا. (بی تا). مکارم الاخلاق، تحقیق مجدی سید ابراهیم، بی جا: مکتبه‌القران.

دین است. نظام اخلاق اسلامی دارای ویژگی‌های ممتازی است که نمونه آن در سایر مکاتب اخلاقی دریافت نمی‌شود. از آن جمله، می‌توان به هماهنگی و سازگاری و انسجام اجزاء و عناصر آن و هدفمندی و ذومراتب بودن ارزش‌های اخلاقی اشاره کرد.

۲. دین اسلام به مقوله اخلاق نگاه بنیادی و سیستمی دارد و ارزش‌های اخلاقی پیوندی ناگسستنی با دین دارند. در اسلام یکی از عرصه‌های پیوند و همسویی دین و اخلاق، اصول و قواعد اخلاقی است. کج فهمی در نسبت میان دین و زندگی، سبب کاهش تاثیر اخلاق در اجرای شریعت و دست‌یافتن به سعادت‌مندی در حیات بشری می‌شود. نظام اخلاقی اسلام به علت برخورداری از راهبردها و ارائه راهکارها، ابزار و روش به کارگیری و اثربخشی اصول اخلاقی و نیز کسب مهارت‌های مرتبط با آن مدعی است که ارزش‌های اخلاقی در خانواده هم ضروری بوده و هم جزیی از چارچوب دینی و در زمره رسالت انبیاء و شریعت الهی است.

۳. اصول و ارزش‌های اخلاقی خانواده از مهم‌ترین، بنیادی‌ترین، محسوس‌ترین و پرکاربردترین مقولات در آموزه‌های اسلامی به شمار می‌رود. چراکه سبب قوام و تقویت بنیان خانواده و ضمانت اجرای قوانین و مقررات دینی خواهد بود؛ همچنین به بهتر شدن روابط و استحکام خانواده کمک می‌کند و مقوم و مصلح آن خواهد بود. در نتیجه، برخورداری از فضایل اخلاقی و اهتمام بر حفظ و رعایت آن، صفا و صمیمیت را به ارمغان می‌آورد و فضای خانه را پر نشاط و بالنده می‌کند تا در راستای آن، جامعه انسانی در مسیر کمال حقیقی و رشد اخلاقی قرار گیرد.

۴. خانواده کانون احساسات و عواطف و اصلی‌ترین پایگاه رشد است و در این محیط، بهترین ابزار تربیت و رشد اخلاق است. در خانواده رشد اخلاقی فرایندی

طباطبایی، محمدحسین. (۱۳۸۳). ترجمه تفسیرالمیزان، مترجم محمدباقر موسوی همدانی، چ ۱۹، قم: اسلامی.

_____ (۱۴۱۷). المیزان فی تفسیر القرآن، چ ۵، قم: اسلامی.

عبدالحلیم محمود. (۱۴۱۰). فقه الدعوة الی الله، بیروت: بی‌نا.

عطاردی، عزیزالله. (۱۴۰۶). مسند الامام الرضا، مشهد: المؤتمر العالمی الامام الرضا.

امام علی (ع). (بی‌تا). غررالحکم، تهران: دانشگاه تهران. قمی، عباس. (۱۴۲۲). سفینه البحار، چ ۲، بیروت: دارالاسوه.

قطب، محمد. (۱۳۵۶). ویژگی‌های جهان‌بینی ایدئولوژی اسلامی، ترجمه محمدخامنه‌ای، تهران: ملی.

_____، مفاهیم بنیادی اسلام. (۱۳۷۹). لقمان محمدپور، تهران: احسان.

کلینی، محمدبن یعقوب. (۱۳۶۷). الکافی، تحقیق علی‌اکبر غفاری، چ ۳، دارالکتب الاسلامیه.

لطیفی، ناصر. (۱۳۸۵). ازدواج شایستگان، قم: انصاری. متقی هندی. (بی‌تا). کنز العمال، تحقیق الشیخ بکری حیانی، بیروت: الرساله.

مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۸). مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول، تصحیح علی آخوندی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

_____ (۱۴۰۵). بحار الانوار، چ ۲، تهران: مکتبه الاسلامیه.

مصطفوی، جواد. (۱۳۷۴). بهشت خانواده، تکمله مهدی مصطفوی، چ ۳، مشهد: هاتف (هجرت مشهد).

مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۷۳). دروس فلسفه اخلاق اسلامی، تهران: اطلاعات.

_____ (۱۳۸۰). فلسفه اخلاق، نگارش و تحقیق احمدحسین شریفی، تهران: بین‌الملل.

ابن شعبه حرانی. (۱۳۶۳). تحف العقول، ج ۳، قم: موسسه النشر الاسلامی لجماعه المدرسین.

ابن منظور، (۱۴۱۶)، لسان العرب، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

جوادی آملی. (۱۳۷۷). فلسفه حقوق بشر، چ ۲، قم: اسراء.

حیدری نراقی، علی محمد. (۱۳۸۵). شرح رساله امام سجاد (ع)، چ ۵، قم: مهدی نراقی.

حرّ عاملی، محمدبن حسن. (۱۴۰۳). وسائل الشیعه، تصحیح عبدالرحیم ربّانی شیرازی، چ ۶، تهران: مکتبه الاسلامیه.

دائرة المعارف قرآن کریم. (۱۳۸۵). چ ۲، قم: مرکز چاپ و دفتر تبلیغات حوزه علمیه.

دلشادتهرانی، مصطفی. (۱۳۸۶). سیره نبوی (منطق عملی)، دفتر ۴، تهران: دریا.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (بی‌تا). المفردات فی غریب القرآن، تحقیق محمد گیلانی، تهران: بی‌نا.

رحیمی، زهرا. (۱۳۸۹). خانواده موفق، چ ۲، اصفهان: اصفهان، حدیث راه عشق.

الزبیدی، محمد مرتضی. (بی‌تا). تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت: دارمکتبه الحیاه.

سبحانی، جعفر. (۱۳۷۶). نظام اخلاقی اسلام، چ ۴، قم: مؤسسه امام صادق (ع).

شریف الرضی. (۱۳۸۱). نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، قم: انصاریان.

شریفی، احمدحسین. (۱۳۸۴). نقد و بررسی مکاتب اخلاقی، قم: مؤسسه امام خمینی (ره).

شیخ صدوق. (۱۴۱۳). من لایحضره الفقیه، تحقیق و تصحیح علی‌اکبر غفاری، چ ۲، قم: اسلامی.

شیروانی، علی. (۱۳۸۷). نهج الفصاحه، قم: دارالفکر.

مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۸۷). اخلاق در قرآن، چ ۳، قم:
مدرسه الامام علی بن ابیطالب (ع).

مطهری، مرتضی. (۱۳۷۰). تعلیم و تربیت در اسلام،
تهران: صدرا.

مهدوی کنی، صدیقه. (۱۳۸۸). ساختار گزاره‌های اخلاقی
قرآن، تهران: امام صادق (ع).

نوری طبرسی، حسین. (۱۴۰۸). مستدرک الوسائل و
مستنبض المسائل، چ ۲، قم: موسسه آل‌البیت
لاحیاء التراث.

واحدی، علی بن احمد. (۱۴۱۱). اسباب النزول القران،
تحقیق کمال بسیونی زغلول، بیروت: دارالکتب
العلمیه.

همایونی. (۱۴۱۷). علویه؛ عشق ذوی‌القربی، اصفهان:
دانشگاه اصفهان.

